



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
دانشکده علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی
عنوان : بررسی سبکی کتاب التوسل الی الترسل

استاد راهنما: دکتر محمد حسین سرداگی
استاد مشاور: دکتر سید اسماعیل قافله بانسی
تحقیق و تألیف: مینا بهرامی میرابادی
مهر 1390

فهرست مطالب

۱	چکیده
	۱- کلیات
۲	التوسل الى الترسل
۲	بهاء الدین بغدادی
۳	سبک کتاب
۳	نثر فنی
۸	انواع ترسلات و منشآت
۱۲	۲- بررسی سطح زبانی
۱۳	۱-۲ دگرگونی های آوایی
۱۴	مصوتها
۱۵	صامتها
۱۷	بحثی در رسم الخط
۱۸	۲-۲ بررسی سطح صرفی
۱۹	ساختمان فعل
۲۰	فعل ساده
۲۲	فعل پیشوندی
۲۴	فعل مرکب

۳۴	عبارتهای فعلی
۳۸	زمانهای فعل
۳۹	ماضی
۴۱	مضارع
۴۳	آینده
۴۳	فعل امر و نهی
۴۴	وجه فعل
۴۵	فعل مجهول
۴۶	ساختمان اسم : اسمهای مشتق
۵۱	اسمهای مرکب
۵۲	اسمهاس مشتق – مرکب
۵۴	اسم از نظر کاربرد نشانه های جمع
۵۵	جدول های آماری
۵۸	صفت
۵۸	صفت از نظر ساختمان : ساده
۵۹	صفت مشتق
۶۳	صفات مرکب
۶۵	صفت شمارشی
۶۵	درجات صفت

۶۶	صفت مقلوب
۶۷	مطابقت صفت با موصوف
۶۸	تأنيث صفت
۶۹	صفت جانشین اسم
۷۰	صفات اشاره و مبهم
۷۲	ضمیر: ضمائر منفصل
۷۳	ضمائر متصل
۷۳	ضمائر مشترک
۷۴	ضمیر اشاره
۷۵	ضمیر پرسشی
۷۵	ضمیر مبهم
۷۶	قید
۷۶	قید از جهت مقوله دستوری: قید مختص
۷۷	قید مشترک
۷۸	قید از نظر ساختمان
۷۹	قید از جهت مفهوم
۸۲	قید های عربی
۸۳	حروف : حروف اضافه ساده
۸۷	حروف اضافه مرکب

۸۸	حروف ربط ساده
۸۹	حروف ربط مرکب
۹۰	حرف ربط تأویلی
۹۰	حروف نشانه
۹۱	۲-۳ بررسی سطح نحوی
۹۲	جمله از نظر مفهوم: خبری
۹۲	پرسشی
۹۳	امری
۹۳	عاطفی
۹۳	جمله از حیث مفهوم مستقل
۹۴	جمله از نظر ساختمان (ساده و مرکب)
۹۴	انواع جملات مرکب
۹۶	روابط جمله های پایه و پیرو: جمله پیرو مؤؤل به نهاد
۹۷	مؤؤل به مفعول و مسند
۹۸	مؤؤل به قید و متمم
۹۹	بحثی دیگر در روابط جمله های پایه و پیرو: تأویل به مصدر اصلی و بدلی
۱۰۰	تأویل به صف اصلی و بدلی
۱۰۰	هم پایگی و ناهمپایگی در جملات مرکب
۱۰۱	جمله های معترضه

۱۰۲	تجزیه رو ساختی جمله
۱۰۵	تقدیم و تأخیر در اجزای جمله
۱۰۷	مطابقت نهاد و فعل
۱۰۹	گسترش فعل مرکب در ساختمان جمله
۱۱۱	تکرار فعل
۱۱۲	تکرار واو عطف
۱۱۲	حذف فعل : اسنادی
۱۱۳	حذف فعل معین
۱۱۳	بررسی درون جمله ای «را»
۱۱۶	۲-۴ تأثیر زبان عربی
۱۱۷	مفردات : جمع های عربی
۱۱۸	اسم مصدر
۱۱۸	اسم فاعل
۱۱۹	اسم مفعول
۱۱۹	اسم زمان و مکان
۱۲۰	صفت مشبه و مبالغه
۱۲۰	کلمات تنوین دار
۱۲۰	جار و مجرور
۱۲۲	ترکیبات اضافی

۱۲۳	جملات عربی : معترضه دعایی
۱۲۵	معترضه غیر دعایی
۱۲۵	آیات و احادیث
۱۲۶	تمثیل های عربی
۱۲۸	اشعار عربی
۱۲۹	سایر عبارتهای عربی
۱۳۰	۳- بررسی سطح ادبی
۱۳۱	سجع
۱۳۲	سجع در سطح کلمه : متوازی
۱۳۲	مطرف
۱۳۳	متوازن
۱۳۳	سجع در سطح کلام: موازنه
۱۳۴	تضمین المزدوج
۱۳۵	جناس (انواع جناس)
۱۴۰	تکرار و واج آرای
۱۴۱	مراعات نظیر
۱۴۲	تضاد
۱۴۲	حسن مطلع و براعت استهلال
۱۴۴	تشبیه

۱۴۶	استعاره
۱۴۷	تمثیل و استعاره تمثیلی
۱۴۸	کنایه و مجاز
۱۵۰	درج و تضمین اشعار
۱۵۲	اقتباس و تلمیح آیات
۱۵۳	اطناب
۱۵۴	مترادفات
۱۵۶	۴- بررسی سطح فکری و محتوایی
۱۵۷	اطلاعات تاریخی
۱۵۷	مسائل سیاسی و حکومتی
۱۶۰	عقاید و باورهای اجتماعی و مذهبی
۱۶۲	فهرست منابع

چکیده

التوسل الی الترسل مجموعه ای است از منشآت بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه. اهمیت این کتاب از آن جهت است که نمونه خوبی از تقلید از نثر ابوالمعالی نویسنده کلیله و دمنه است و از حیث پختگی انشاء سر مشق کاتبان بعد از خود بوده است. این کتاب علاوه بر اینکه نمونه کاملی است از بهترین نثر فنی و درباری قرن ششم یکی از منابع مهم تاریخی درباره اواخر دوره خوارزمشاهیان و معاصرین آنها محسوب می شود. در این پایان نامه سعی شده است در حد توان، ویژگی ها و مختصات سبکی کتاب نمایان شود. متن حاضر در چهار فصل تنظیم شده است که شامل کلیات، بررسی سطح زبانی، ادبی و فکری می باشد. بخش زبانی خود شامل چهار قسمت است که به ترتیب دگرگونی های آوایی، بررسی سطح صرفی و نحوی و تأثیر زبان عربی را دربر می گیرد. روش کار بر مطالعات کتابخانه ای و تحلیل و بررسی آماری استوار است. در این تحقیق یکی از منشآت و ترسلات قرن ششم هجری معرفی می شود و می تواند تا حدی ما را در شناخت یکی از انواع متون نثر فنی (ترسلات) و ویژگی های نثر فنی در قرن ششم یاری نماید.

کلید واژه : بهاءالدین بغدادی، التوسل الی الترسل، نثر فنی، منشآت و ترسلات، سبک شناسی،

دستور تاریخی.

فصل اول: کلیات

التوسل الی التوسل مجموعه ای است از منشآت بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی منشی

علاءالدین تکش خوارزمشاه که در قرن ششم هجری می زیسته است.

مؤلف چنان که در مقدمه کتاب می گوید به اصرار و الحاح جمعی از دوستان که طریق وی را در انشاء می پسندیده اند، قسمتی از مکاتیب و نامه های خود را فراهم آورده و از مجموع آنها کتاب مزبور را به نام بهاءالدین وزیر مرتب و مدون ساخته است.

این کتاب مشتمل است بر یک دیباچه و دو فصل مقدمه مانند و سه قسمت اصلی. دیباچه شامل حمد خداوند و نعت پیامبر و اصحاب او و ستایش سلطان وقت و سبب تألیف کتاب است. فصل اول را به مدح و ثنای بهاءالدین وزیر اختصاص داده و فصل دیگر را درباره انشای فارسی و سبکهای مختلف نویسندگان عصر و سبک و طریقه خود در کتابت، سخن گفته است. اما قسمت های اصلی کتاب: قسم اول شامل فرمانها و منشورهای دیوانی و عهدنامه ها و فتح نامه ها است. قسم دوم شامل است بر، نامه هایی که از جانب سلطان به امراء و ملوک اطراف نوشته شده و قسم سوم مشتمل بر اخوانیات و رقعه ها و ملاحظاتی است که به بزرگان عهد و دوستان خویش نوشته است. نویسنده کتاب را با یک قصیده فارسی در عرض حال خویش و توصیف کتاب و یک قصیده عربی در مدح بهاءالدین وزیر به پایان برده است.

بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی^۱ منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶) بوده است.

وی از نویسندگان و کاتبان بزرگ قرن ششم به حساب می آمده و آثارش سرمشق مترسلان بعد از وی قرار گرفته بود. محل تولد وی بغداد ک خوارزم بوده است اما سال ولادت و وفاتش معلوم نیست ولی آنچه محقق است وی تا سال ۵۸۸ در قید حیات بوده است زیرا عطا ملک جوینی مؤلف جهانگشا گفته است که در سفر علاءالدین تکش از خوارزم به خراسان در این سال میان بهاءالدین بغدادی و پدر عطا ملک در حضور سلطان تکش مناظراتی رفته است.

هدایت می گوید که او برادر کوچک مجدالدین بغدادی بوده است و احتمالاً مقصود وی ابوسعید شرف بن مؤید بغدادی خوارزمی عارف مشهور قرن ششم و آغاز قرن هفتم است.

^۱ - برگرفته از کتاب تاریخ ادبیات صفا ج ۲، صص ۹۷۶-۹۷۳

بهاء‌الدین بغدادی علاوه بر انشاء خوب در سرودن شعر نیز دستی داشته است. اشعار استادانه ای از او در کتاب *لباب الالباب* عوفی آمده است و همچنین برخی از اشعارش را در ضمن منشآت خود آورده است.

سبک کتاب

التوسل الی الترسل «نمونه کاملی است از بهترین نثر فنی و درباری آن زمان که دیگر آثار زیادی از نثر کهنه و قدیم در آن یافت نمی شود.^۱» استفاده فراوان از لغات عربی که گاه به شصت الی هشتاد درصد می رسد و جایگزین بسیاری از لغات و اصطلاحات فارسی شده اند و استفاده وافر از جمله های عربی، آیات و احادیث و اشعار و تمثیل های عربی از ویژگی های بارز کتاب است. مترادفات، موازنه و سجع در اغلب سطور دیده می شود. آراستن سخن به صنایع لفظی و ایراد معانی گوناگون از اهداف اصلی نویسنده است. ایراد مترادفات، تکرار و اطناب از جمله ویژگی های دیگر کتاب است که در سراسر آن رعایت شده است.

نثر فنی

قرن ششم دوره نثر فنی است. آغازگر این سبک نصرالهگک منشی نویسنده کتاب *کلیله و دمنه* است. «نثر فنی نثری است که می خواهد تشبه به شعر کند و بدین لحاظ هم از نظر زبان و هم از نظر فکر و هم از نظر مختصات ادبی دیگر نمی توان آن را دقیقاً نثر دانست که هدف آن تفهیم و تفاهم و انتقال پیام به صورت مستقیم است، بلکه نثری است شعروار که مخیل است و زبان تصویری دارد و سرشار از صنایع ادبی است. در یک کلام نثر فنی نثری است که با شعر یک قدم بیشتر فاصله ندارد.^۲» از جمله مهمترین مختصات نثر فنی بدین قرار است:

۱- اطناب یا بسط سخن

۲- کثرت لغات و اصطلاحات عربی

۳- استفاده از آیات و احادیث و ضرب المثل ها و اشعار عربی

۴- وفور صنایع و بیانی

۵- سجع، موازنه، ترصیع و موسیقانی بودن کلام

۶- قرینه سازی

۷- توصیف

^۱ - بهار، سبک شناسی ج ۲، ص ۳۷۹

^۲ - شمیسا، سبک شناسی نثر، ص ۷۶

۸- تحلیل شعری

۹- مترادفات

۱۰- استعمال فعل در معنی مجازی

۱۱- در آمیختگی نظم و نثر

۱- اطناب یا بسط سخن

اطناب یکی از مهمترین مختصات نثر فنی است و منظور از آن آوردن الفاظ و لغات و ترکیبات و تعبیرات بسیار برای بیان مفاهیم اندک است.

نویسندگان این دوره سعی داشتند معنی واحدی را با استفاده از صورخیالی چون تشبیهات و استعارات و تمثیل‌ها و کنایات و قرینه‌سازی، سجع پردازی و رعایت جناس و تناسب و دیگر صنایع لفظی و معنوی به طرق مختلف بیان کنند. غرض آنها از اطناب زیبایی و مخیل کردن و مؤثر بودن آن است. اما این روش باعث می‌شود تا پیوستگی معنوی کلام از بین برود و توجه خواننده از معنی به ظاهر عبارت معطوف شود.

طول جمله‌ها در نثر فنی به خاطر قرینه‌سازی‌ها (آوردن جمله‌ها و عبارات به صورت قطعات متقابل و متقارن) و مترادفات و استفاده از صنایع بدیعی و بیان طولانی است. همچنین عطف‌های پیاپی جمله‌ها به یکدیگر و وجود جمله‌های معترضه و صفی و دعایی کوتاه و بلند باعث فاصله افتادن بین مبتدا و خبر، شرط و جواب شرط در جمله می‌شود که دشوار شدن فهم متن برای خواننده را به همراه دارد.^۱ بالاترین حد اطناب در قیاس با دیگر اقسام نثر، در مکاتیب و منشآت این دوره مشاهده می‌شود.

۲- کثرت لغات و اصطلاحات عربی

نویسندگان قرن ششم کثرت استعمال لغات عربی را کمال نثر و هنر نویسندگی می‌دانستند و عدم استعمال آن را نشانه نقص نویسندگی و سستی نثر به شمار می‌آوردند. بدین صورت بود که استفاده نامحدود از کلمات و ترکیبات عربی و لغات مهجور و غیرلازم و گاه نامأنوس عربی در فارسی رایج شد و جای لغات و کلمات فصیح و روان فارسی را گرفت به طوری که نویسندگان لغات و ترکیبات لطیف فارسی را رها کرده و معادل عربی آن را که ثقیل تر بود، استفاده می‌کردند.

^۱ - خطیبی فن نثر در ادب پارسی، ص ۳۵۵

استفاده از لغات نادر عربی، و فور کلمات تنوین دار عربی و جمله های عربی که به صورت متمم و در دنباله جملات فارسی آورده می شد و حتی سرفصل های کتب را تشکیل می داد، باعث شد که این نثر اوج تلفیق زبان و ادب فارسی و عربی گردد و جزء دشوارترین متون از لحاظ فهم به حساب آید. از دلایل استفاده وافر از لغات عربی، تکلف در ایراد صنایعی چون جناس و سجع و ترصیع بود و چون لغات فارسی ظرفیت چنین کاری را نداشتند نویسندگان از لغات عربی استفاده می کردند.^۱

۳- استفاده از آیات و احادیث و ضرب المثل ها و اشعار عربی

آوردن آیات و احادیث و اشعار بر خلاف نثر قدیم که به مقتضای سخن و به صورت محدود استفاده می شد، در این دوره برای زینت دادن به کلام و آوردن شاهد و مدعایی برای سخن و افزودن جنبه پند و اندرز کلام به صورت فراوان به کار می رفت. نویسندگان نثر فنی برای نشان دادن معلومات و حافظه خود و پر مایه ساختن سخن و تأکید موضوع و معنی به حد افراط از آیات و احادیث و اشعار و ضرب المثل های عربی استفاده می کردند که باعث تطویل کلام می شده است. استفاده از آیات و احادیث در متن به منظور زینت و آرایش سخن، تقلیدی است از نثر فنی عربی که در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم در بغداد پایه گذاری شده بود و در قرن ششم با سرمشق قرار دادن منشآت عربی به نثر فارسی راه یافت.

۴- وفور صنایع بدیعی و بیانی

از ویژگی های دیگر نثر فنی بیان مطلب به صورت شعرگونه است زیرا که نویسنده در این نثر بر خلاف نثر مرسل درصدد اخبار نیست بلکه سعی می کند به واسطه نثری مخیل در دلها تأثیر بگذارد. نثر فنی به منظور زینت و آرایش کلام همچون شعر معنی واحدی را با عبارات و تعبیرات مجازی، تشبیهات، استعارات، کنایات و تمثیلات مختلف و متنوع بیان می کند به گونه ای که این تعبیرات با همانند های خود در شعر برابرند.

^۱ - خطیبی، فن نثر در ادب پارسی، ص ۶۰

در ابتدای قرن ششم نثرنویسان با کمال مهارت از صنایع لفظی استفاده می کردند به طوری که با سیر طبیعی معنی پیش می رفتند و معنی را فدای لفظ نمی کردند اما دیری نگذشت که با قبول تکلفات لفظی جانب معنی را رها کردند و نثر وسیله ای گشت برای ابراز هنر و به کاربردن هر چه بیشتر صنایع هنری.^۱

۵- سجع، موازنه، ترصیع و موسیقایی بودن کلام

جمله ها در نثر فنی با هدف آهنگین بودن نوشته می شد و در نتیجه نویسنده می کوشید تا الفاظ با هم تناسب و تقارن داشته باشند و برای این منظور از کلمات مسجع و مرصع و مترادف و متوازن جملات آهنگینی می ساخت که نویسنده در آن به دنبال معنی نبود و بیشتر سعی در ایجاد تناسب و تقارن لفظی داشت. حاصل رعایت سجع های مکرر جملاتی بود که با هم در موازنه یا ترصیع بودند که این امور باعث اطباب کلام می گشت. کیفیت موسیقایی بودن کلام همان چیزی بود که انگیزه اصلی نویسنده را در تشبه به شعر برآورده می ساخت.

۶- قرینه سازی

در نثر فنی جمله ها و عبارات را به صورت قطعات متقابل و متقارن در برابر هم، و نه در پی یکدیگر، قرار می دهند به طوری که پیوستگی این جمله ها با هم بیشتر از نظر آهنگ است نه از جهت معنی، یعنی آنچه این جمله ها را به هم ربط می دهد سجع ها و و جناس ها و تناسب هاست. تناسب در جمله ها و قرائن نثری نخست از تقارن لفظی ضعیف یعنی توازن کلمات آخر هر دو یا چند قرینه آغاز شد و به تدریج به سجع و ترصیع کامل در کلیه اجزاء قرائن پیوست و یا به صورت ترادف و تضاد و مراعات نظیر و دیگر صنایع لفظی در تمامی کلمات و اجزاء و قرائن راه یافت.^۲

۷- توصیف

توصیف و مجسم ساختن مطلب در نثر فنی به گونه ای است که خبر تحت الشعاع آن قرار می گیرد. در این شیوه چند جمله خبری ساده را با اطباب تمام به زبان شعرگونه بیان می کنند و به وصف آن می

^۱ - خطیبی، فن نثر در ادب پارسی، ص ۵۸

^۲ - همان، ص ۵۹

پردازند. انواع وصف از جمله وصف فصلها، روز و شب، زیبایی و غیره و حتی وصف معقولات مانند وصف قحطی را می توان در این گونه از نثر مشاهده کرد.

رجحان وصف بر خبر در منشآت و ترسلات از ارکان اصلی نثر فنی است به طوری که در این گونه نثرهای فنی می توان چند صفحه را در چند سطر خلاصه کرد زیرا به جز آن چند سطر که خبر است بقیه توصیف آن محسوب می شود.^۱

۸- تحلیل شعری

تحلیل شعری به این معنی است که افکار و مضامین و عبارات شعری را خصوصاً مفاد قصاید چون مدح، رثا، تغزل، نسیب و تشبیه را در نثر درج و حل می کردند.^۲ مثلاً نویسنده در مدح ممدوح خود از ابیات یک قصیده استفاده می کند و مضامین آن را به صورت منثور می آورد.

۹- مترادفات

از جمله شیوه هایی که برای اطناب کلام به کار می رود آوردن لغات مترادف و یا جملات مترادف است که گاه برای زیبایی و روانی و گاه برای تأکید و اهمیت دادن به مطلب است.

۱۰- استعمال فعل در معنی مجازی

به منظور افراط در سجع سازی و پرهیز از تکرار فعل، افعالی چون نمودن، گردانیدن، ایستادن، فرمودن، شدن، گشتن، افتادن، آمدن و ... را که هر یک معنی جداگانه ای دارد در یک معنی و مفهوم واحد «صیوروت و عمل» به کار می برند.^۳

۱۱- در آمیختگی نظم و نثر

^۱ - شمیسا، سبک شناسی نثر، صص ۷۸، ۹۶

^۲ - همان، ص ۷۶

^۳ - همان، ص ۷۶

کاربرد فراوان اشعار فارسی و عربی در ضمن متن، نثر این دوره را به صورت آمیزه ای از نثر و نظم در آورده است.

انواع نثر فنی:

۱- نثر تمثیلی مانند کلیه و دمنه

۲- نثر فنی تاریخی مانند تاریخ و صاف

۳- مقامات مانند مقامات حمیدی

۴- ترسل و منشآت

یکی از تجلیات نثر فنی و مصنوع در ترسل و منشآت است. دبیران یا منشیان افراد فاضلی بودند که به زبان و ادب عربی آشنایی کامل داشتند و در مکاتبات خود از این معلومات استفاده می کردند. نامه های دیوانی در دوره سامانیان به نثر مرسل نوشته می شود و در دوره غزنویان به نثری بینابین نثر مرسل و فنی، اما منشیان قرن ششم یعنی دبیران سلجوقی و خوارزمشاهی بر اثر سرمشق قرار دادن منشآت عربی به نثر فنی متمایل بودند.

در این قرون نامه نگاری به نثر فنی جنبه هنری داشت و از نظر فضلا عالی ترین نوع نثر به حساب می آمد در نتیجه منشآت دبیران معروف را به صورت کتاب گردآوری می کردند تا سرمشق دیگر نویسندگان و منشیان باشد. بهاءالدین بغدادی نیز با همین هدف رسالاتش را گردآوری کرده و نام آن را «التوسل الی الترسل» نهاده است تا «در صناعت ترسل وسیلتی بزرگ و ذریعتی مؤکد^۱ باشد برای مبتدیان.

انواع ترسلات و منشآت:

منشآت خود انوعی دارند، از جمله: منشور و فرمان، فتح نامه و عهدنامه (قسم اول کتاب)، سلطانیات (قسم دوم)، اخوانیات (قسم سوم). در اینجا برای آشنایی بیشتر با متن کتاب به توضیح مختصری درباره محتوا و ارکان انواع نامه ها می پردازیم.^۲

الف. منشور و فرمان

1- التوسل الی الترسل، ص ۱۱

۲- این مطالب از کتاب فن نثر صص ۴۲۷-۳۶۵ خلاصه شده است.

از مشهورترین اقسام مکاتیب این دوره است که از دیوان رسایل در تفویض مشاغل و مناصب بزرگ دیوانی و سیاسی و دینی و علمی مانند وزارت، امارت، سپهسالاری، امامت، قاضی القضاتی، قضاوت، نقابت سادات، تدریس و نظایر آن و یا واگذاری اقطاع، صادر می گشت و به توقیع سلطان می رسید. همچنین به احکامی که هنگام درگذشت ملوک یا امرای بزرگ از جانب سلطان در تفویض مناصب آنان به جانشینان صادر می شد و به احکامی که از جهت حکام و دیگر صاحبان مشاغل بزرگ دیوانی یا دینی در تفویض مجدد منصبی که به عهده داشتند، صدور می یافت نیز منشور گفته می شود. ارکان مناشیر:

- ۱- مقدمه یا خطبه: عبارت بود از معانی و مضامینی که به تناسب موضوع به روش براعت استهلال که بتوان از آن به موضوع متن پی برد.
- ۲- بیان اهمیت و عظمت شغل و منصب
- ۳- نام مخاطب منشور و ستایش او
- ۴- وصایا: در این رکن با اطناب و تأکید وظایف گیرنده منشور شرح داده می شود و به قسمتهایی تقسیم می شود که هر کدام از آنها با کلمه «فرمودیم» یا «می فرماییم» آغاز می گردد.
- ۵- در این قسمت وظایف افراد و عموم مردم و صاحبان مناصب دیوانی و دیگر طبقات در قبال دارنده منشور بیان می شود که مبنی بر اطاعت و فرمانبرداری و اعانت و مساعدت است و با جملاتی مثل «سبیل اعیان و اشراف و کافه خدم و رعایا و... آنست که...» و یا «فرمان چنان است که...» می آید.
- ۶- خاتمه منشور که بسیار کوتاه بود و با عباراتی چون «ان شاءالله» پایان می پذیرفت.

ب. فتح نامه

فتحنامه بعد از فتوحات بزرگ از جانب سلطان به اطراف و اکناف ولایت نوشته می شد و به حکام و سلاطین آنها ارسال می گشت و رسم بود که در روزهای جمعه هنگام اقامه نماز، آن را بر بالای منابر بخوانند و به آگاهی عموم برسانند. ارکان فتح نامه:

- ۱- تمهید مقدمات متناسب و مفصل: استفاده از آیات و اخبار و شواهد دینی و اخلاقی و سیاسی مبنی بر اینکه جهاد و دفاع و برانداختن دشمنان واجب و لازم است.
- ۲- دلایل مبادرت به جنگ، بی نتیجه ماندن کوشش برای بازداشتن دشمن از جنگ و گستاخی های او و ناگزیری سلطان از جنگ.

- ۳- تاریخ شروع جنگ، وصف میدان کارزار و توصیف لشکریان دشمن و لشکریان شاه.
- ۴- به دست آمدن پیروزی و مکان و زمان آن.
- ۵- لزوم بیان اعلام پیروزی و آگاه ساختن همگان.
- ۶- خاتمه و نتیجه که عبارت بود از شکر گزاری به درگاه الهی.

ج . عهدنامه و سوگند نامه

عهدنامه در میان پادشاهان یا سلاطین و ملوک اطراف مبادله می شد و سوگند نامه از طرف پادشاهان به ملوک و امرا و دیگر کارگزاران دولت که عصیان کرده و سپس از در انقیاد و اطاعت در می آمدند و مورد عفو بخشش قرار می گرفتند و یا مظنون به طغیان و مخالفت بودند، فرستاده می شد تا آن را در برابر گواهان بخوانند و امضاء کنند.

ارکان عهدنامه و سوگندنامه ها:

۱. مقدمه با آیه ای از قرآن کریم مبنی بر لزوم نگاهداشت عهد و پیمان آغاز شده و سپس از قدرت و عظمت مرتبت و قهر و غلبه سلطان سخن به میان می آید و اینکه حکم نافذ و سیاست شامل شاه از آن مستغنی است که از بندگان در مطاوعت استظهار طلبد. اما این سنت جهت تألیف دلها و تسکین فتنه ها، لازم است.
۲. ذکر نام سوگند خورنده بی هیچ گونه نعوت و عناوین و ذکر نام سلطان با عناوین و نعوت کامل
۳. متن اصلی سوگندنامه که در آن پر از سوگند های مختلف و مکرر است.
۴. بیان عهد و شرایطی که سوگند خورنده باید به عهده گیرد.
۵. تضمین ها و وثائق که عبارتند از شرح مجازاتی که در صورت نقض عهد، سوگند خورنده می پذیرد.
۶. خاتمه مکتوب: بار دیگر سوگند خورنده برای تأکید و توضیح بیشتر موضوع سوگند را با نام خود به اختصار تکرار می کرد.

د. سلطانیات

به منشآت گویند که سلاطین به یکدیگر یا به ملوک اطراف می نوشتند که به دو صورت دوستانه و یا رسمی و دیوانی بودند.

ارکان سلطانیات:

- ۱ - صدر مکتوب که شامل عناوین و نعوت و ادعیه فارسی و عربی بود.

۲- رکن شرح اشتیاق که در آن از اشتیاق و آرزومندی به دیدار مخاطب سخن گفته می شود و بعد از آن یا قبل از آن سلام و تحیت نوشته می شد و در نامه هایی که در پاسخ بود بعد از این رکن از وصول نامه و آورنده آن نیز یاد می شد. در مکاتیب رسمی معمولاً این قسمت حذف می شد.

۳- رکن اصلی مکتوب

۴- انتظارات که با جمله هایی مانند «منتظرم»، «منتظر است»، «توقع چنان است» و... می آید.

۵- پایان مکتوب که معمولاً شامل دعایی مختصر و اغلب به عربی بود.

هـ. اخوانیات

نامه هایی خصوصی که به دوستان و یا بزرگان نوشته می شد. این نوع از نامه ها نسبت به دیگر منشآت از آرایش کلام بیشتری برخوردار است.

ارکان اخوانیات:

۱- صدر مکتوب که اغلب با جمله های دعایی متکلف و مسجع و یا ادعیه با عبارات شاعرانه و توصیفی و مسجع و گاه با اشعار عربی و فارسی شروع می شد.

۲- رکن شرح اشتیاق از زیباترین قسمت های نامه است که در آن نهایت آراستگی به صنایع لفظی و مضامین شعری دیده می شود. این رکن به اقتضای مورد یا مختصر و ساده بود یا به طور کلی حذف می شد.

۳- خاتمه مکتوب که به سه شیوه می آمده :

ختم مکتوب با جمله های دعایی مختصر عربی مانند «انشاء الله تعالی»، یا با ادعیه مفصل یا مختصر فارسی و یا با عبارات عربی در تاریخ صدور مکتوب و حمد و نعمت.

۴- ارکان فرعی دیگری که به اقتضای مورد می آمدند عبارتند از: اعلام وصول نامه، سلام و تحیت، اخبار از سلامت حال خود و بستگان و پرسیدن از سلامت کسان و خویشان مکتوب الیه، ذکر انتظارات.

فصل دوم: بررسی سطح زبانی

سطح زبانی مقوله گسترده‌ی است و از این رو در چهار بخش مجزا بررسی شده است :

۱- دگرگونی‌های آوایی

۲- بررسی سطح صرفی

۳- بررسی سطح نحوی

۴- تأثیر زبان عربی